



فهرست مطالب

۹مقدمه
۱۳ مهمان خوش قول
۱۶ نظم همراه با اخلاق
۱۷ جبران گذشته
۱۹ تلافی
۲۰ آمار
۲۱ اجرای قانون
۲۳ نظارت و تذکر
۲۴ گزارش
۲۶ انگیزه
۲۸ نظم و انسجام
۳۰ پاکیزگی و نظافت
۳۴ باید تمیز بود
۳۵ نظامی منضبط
۴۰ قرار ملاقات
۴۱ ساعت دقیق جلسه
۴۳ دقت و پیگیری مداوم
۴۴ کلاه آهنی!
۴۷ یک نظامی واقعی

۴۸	رعایت مقررات و عدالت
۴۹	نظم و تمیزی
۵۰	پیشنهادهای منظم و مدون
۵۱	برخورد با خطاکار
۵۲	تنبیه و تشویق
۵۳	برنامه‌ی امروز
۵۴	نوبت نگهبانی
۵۶	همه در نوبت!
۵۸	برنامه ریزی
۵۹	حرف اول
۶۰	تنبیه
۶۲	نظم و نماز و نظافت
۶۳	الگو
۶۴	مباحثه
۶۵	مدیر کم نظیر
۶۶	آخرین نفر
۶۷	تیز بینی
۶۸	خُلف وعده
۷۱	آراستگی ظاهر
۷۲	قبل از همه
۷۳	سرکشی و رسیدگی به نیروها
۷۵	برخورد بدون تبعیض
۷۷	مانور جدی
۷۸	بدون نظم، هیچ کاری نمی شود کرد
۸۱	صد بار صلوات
۸۲	سرآمد

۸۵	حرف حساب
۸۷	ویژگی نظافت
۸۸	تأثیر مثبت تمیزی
۸۹	با حوصله و منظم
۹۰	بهترین لباس‌ها!
۹۲	سطل‌های زباله!
۹۳	بهترین‌ها
۹۵	آراسته و وارسته
۹۷	برخورد نظامی
۹۹	واکس
۱۰۰	تا مطمئن نشد، نرفتیم!
۱۰۱	راه نمی‌داد!
۱۰۲	منضبط و با برنامه
۱۰۳	بعداً تشریف بیاورید!
۱۰۴	زیانزد
۱۰۵	لباس‌های مرتب
۱۰۶	لباسم باید مرتب باشد
۱۰۷	حساس
۱۰۸	جدی در کارها
۱۰۹	مقید به اصول
۱۱۰	مهمانی خدا
۱۱۱	فرماندهی منظم
۱۱۳	مسواک زدن در جنگ
۱۱۴	نظم و سلیقه
۱۱۷	منابع



مقدمه

نظم یعنی ترتیب دادن به یک چیز، آراستن،
سر و صورت دادن به امور و کارها. منظم به
کسی گویند که به کارها، امور و اشیاء، ترتیب
می‌دهد، مرتب می‌کند و با نظم انجام می‌دهد.
نظم ریشه در عدالت دارد؛ چرا که عدالت، هر
چیز را در جایی نهادن است که شایسته‌ی
همان جاست. و این یعنی نظم. و بی‌عدالتی یعنی
هرج و مرج، بی‌نظمی!
نظم هم ریشه‌ی ظاهری دارد و هم باطنی و
در هر حال بازخورد آن آشکار است و آنچه
مفید و مؤثر است، نظمی است که از درون
بجوشد و انگیزه‌ی باطنی داشته باشد و این که در
روایت، نظم همراه تقوا آمده است، به همین سبب
است. نظمی که سرچشمه‌اش تقوا باشد، عبادت

است و اثرگذاری آن ماندگار خواهد بود.

حضرت علی (علیه السلام) ارزش رعایت نظم را به قدری بالا بردند که بعد از سفارش به رعایت تقوا، به رعایت نظم سفارش می نمایند.

«اوصیکم بتقوی الله و نظم امرکم.»

حضرت امام خمینی که هر روز برای امر تدریس از منزل خارج می شدند، به قدری منظم بودند که برخی افراد با دیدن ایشان بدون تردید بی به زمان دقیق ساعت می بردند.

به غلط در عرف مرسوم شده که نظم یک امر حاشیه‌ای و اولویت دوم است. در بررسی تعهد یک شخص، کمتر اتفاق می افتد که درباره‌ی نظم او پرسند؛ چرا که نظم را سلیقه‌ای فردی می دانند، نه معیاری برای سنجش انسان موحد و جامعه‌ی توحیدی.

این تصور غلط گاه تا جایی پیش می رود که انسان‌های ساده لوح و ناآگاه به معیارهای دین مبین اسلام، برای وارسته نشان دادن خود از وابستگی‌های دنیا، تظاهر به بی نظمی می کنند. دشمنان سودجو نیز که همواره مترصد فرصتی هستند، برای بد جلوه دادن اسلام، همین‌ها را

نمونه‌ی اسلام معرفی می‌کنند تا چهره‌ی اسلام را با زشت نشان دادن چهره‌ی فرد مسلمان، زشت نشان دهند.

این در حالی است که اسلام‌شناسان واقعی، منظم‌ترین و منضبط‌ترین افراد عصر خود و اعصار بوده‌اند. به گونه‌ای که حتی در خصوص دقایق و ثانیه‌های زندگی خود برنامه‌ریزی و حساسیت داشته‌اند.

رزمندگان سلحشور هم متقی بودند و هم منظم. این خاطرات دریچه‌ای است که به روی نظم آنان گشوده شده است؛ هم نظم در زندگی فردی، هم اجتماعی و هم جهادی آنها. و همین تقوا و نظم جواز شهادت آنها را صادر کرده است!
خوشا به حالشان!

مؤسسه فرهنگی هنری قدرولایت